

بررسی جنبه‌های ادبی فتوح السلاطین عمامی (فردوسی دکن)

دکتر ابوالقاسم رادفر

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد جیرفت

چکیده

در پی دستور علاءالدین حسن بهمنی - بنیانگذار سلسله بهمنیان در دکن - مبنی بر اقامت فارسی‌زبانان در منطقه جنوب هند، عده‌ای از عارفان، دانشمندان، شاعران، هنرمندان و تاجران، از دهلی و بعضی شهرهای دیگر هند، و نیز از ایران و سرزمین‌های دیگر، به جنوب هند مهاجرت کردند. از جمله مهاجران برجسته، عبدالملک عمامی - شاعر بلندپایه و سراینده فتوح السلاطین (شاهنامه دکن) - است. در این مقاله، جنبه‌های ادبی این اثر عمامی (فردوسی دکن) - که آمیختگی دلکشی از تاریخ و شعر است - بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: عمامی، فتوح السلاطین، بهمنیان، تاریخ، شعر.

ارتباط ایران و هند از نظر تاریخی، سیاسی، فرهنگی و زبانی، طبق نظر محققان، به زمان‌های بسیار دور و به اعتقاد برخی به زمان داریوش هخامنشی می‌رسد که دامنه سلطتش در حدود شش سده قبل از میلاد مسیح به دره سند رسیده بود.

دامنه این ارتباطها در عصر ساسانیان گسترده‌تر می‌شود، چنان‌که اسناد و مدارک موجود، گویای این واقعیت است. یکی از مهم‌ترین دلایل اثبات این موضوع، وجود آثار نقاشی و سنگ‌تراشی‌های غارهای اجانتا^۱ و الورا^۲ است. این غارها در شصت میلی شهر «اورنگ‌آباد» دکن در دره نعل‌شکلی در کنار جنگل‌های انبوه، جایگاهی بسیار مصفا، واقع شده‌اند. ظاهراً این مقام را نخست راهبان بودایی برای عزلت‌گاه خود اختیار کرده و از دل سنگ‌های صُلب، درون‌کوه‌ها، غارها و تالارها و معبدها (استوپا) تراشیده‌اند و سقف‌ها و دیوارهای مسطح ایجاد کرده و بر روی آن نقش و نگار بسیار به الوان گوناگون برنگاشته‌اند. (رادفر ۱۳۸۱: ۷۰۱-۷۰۲)

این حجاری‌ها، ایرانی‌بودن نوع لباس‌ها، اسلحه‌ها و اشیای دیگر کنده‌شده را اثبات می‌کند. داستان آوردن کلبه و دمنه - ارمغان بزرگ کشمیر - و شطرنج به ایران و رفتن بازی نرد به هند در دوره ساسانیان، دلایلی روشن بر این مدعا هستند.

بعد از اسلام، ارتباط بین دو کشور صد چندان افزایش یافت؛ زیرا با حملات محمود غزنوی به هند و رواج زبان فارسی و عرفان در این سرزمین پهناور از حدود ۱۰۰۱ میلادی و تشکیل حکومت‌های مسلمان و گاه ایرانی در طول بیش از هشتصد سال، زبان، فرهنگ، ادب و عرفان و هنر ایرانی در تار و پود فرهنگ سرزمین بزرگ «بهارت» آن‌چنان رخنه کرد که هنوز هم - با وجود تلاش‌های بسیار برای ضعیف‌کردن و کنارگذاشتن زبان فارسی به‌ویژه در زمان تسلط انگلیسی‌ها بر این سرزمین - به‌قول برخی از استادان بزرگ زبان و ادبیات فارسی همچون پروفیسور عبدالودود اظهر دهلوی، بررسی و مطالعه فرهنگ و تمدن هند بدون بهره‌گیری از منابع به زبان فارسی ناممکن و یا ناقص است.

اوج و رواج بیش از اندازه زبان فارسی و فرهنگ و ادبیات متعالی آن، در دوران گورکانیان هند بود. در این دوره، علاوه بر رواج بازترجمه آثار ایرانی و تألیف و تصنیف در زمینه‌های گوناگون علمی، فرهنگی و ادبی، به انواع هنرها هم توجه خاصی می‌شد، چنان‌که معماری، نقاشی، موسیقی، خوشنویسی و سایر فنون ادب و هنر در این دوران پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد. وجود آثار معماری‌هایی چون تاج‌محل، مسجد جامع دهلی و قلعه سرخ، گواهی راستین بر این ادعاست. همچنین در این دوران، زبان فارسی، زبان رسمی کشور بود که وجود چندین میلیون سند به زبان فارسی در مراکز اسناد، کتابخانه‌ها و منازل شخصی، دلیل محکم این سخن است.

شاید خالی از لطف نباشد که سخن جواهر لعل نهرو - نخست‌وزیر فقید هند - از کتاب کشف هند که ناظر بر ارتباط نزدیک و قدیمی دو کشور است، در اینجا نقل شود. او در این باره چنین می‌نویسد:

در بین ملل و نژادهای بسیار که با هندوستان تماس داشته و در زندگی و فرهنگ هند نفوذ کرده‌اند، قدیم‌ترین و بادوام‌ترین آن همه ایرانیان می‌باشند. (حکمت ۱۳۳۷: ۳۴)

این پیوستگی و ارتباط که به آن اشاره شد، پس از دوره هخامنشیان از جنوب هند (دکن)، با نقاشی‌های غارهای اجانتا و الورا آغاز شد و بعد در دوره اسلامی، به‌ویژه سده هشتم هجری - که سلسله بهمنیان توسط علاءالدین حسن بهمنی (که بنا به نظر برخی محققان، نژادش به بهمن، پسر اسفندیار، می‌رسد) در دکن تأسیس شد - گسترش یافت. البته نباید فراموش کرد که قبل از شکل‌گیری حکومت بهمنیان، علاءالدین خلجی دستور داده بود که فارسی‌زبانان در منطقه جنوب هند اقامت کنند. افزون بر این، نقش تشیع در پیوند و ارتباط ایران و هند جنوبی را نیز نباید نادیده گرفت. در پی فرمان علاءالدین خلجی بود که مهاجرت روحانیان، عارفان، دانشمندان، شاعران، هنرمندان و تاجران از دهلی و بعضی شهرهای دیگر هند و همچنین از ایران و سرزمین‌های دیگر به جنوب هند آغاز شد و روز به روز افزایش یافت.

^۱ Ajanta

^۲ Elura

یکی از این افراد برجسته مهاجر، عبدالملک عمامی، شاعر بلندپایه و سراینده فتوح السلاطین - شاهنامه کهن - است که به حق عنوان «ملکالمورخین دکن» هم زینده نام اوست. وی در حدود سال ۷۱۱ هجری متولد شد. خاندانش از بزرگان سمرقند بودند، ولی نشو و نماى او در سرزمین هند و اوج شهرتش در دکن بود. او را اولین و بزرگترین مصنف دوره علاءالدین حسن بهمن شاه نامیده‌اند. عمامی در عصر خود، شاعری بلندپایه و مورخی وسیع‌النظر بوده است. اگرچه این کتاب از تواریخ مهم عهد میانه در هندوستان و آفرینش ادبی بی‌نظیری در حوزه ادبیات فارسی در شبه‌قاره است، اما تذکره‌نگاران قدیم و صاحبان تواریخ گذشته درباره آن غفلت و کوتاهی کرده‌اند و این مایه تأسف بسیار است. در میان مورخان شمال هند، تنها نظام‌الدین احمد هروی است که در تاریخ خود با عنوان طبقات اکبری در ضمن معرفی مآخذ کتاب، از فتوح السلاطین نام برده است.

از آنجا که این کتاب تنها منبع اطلاعاتی ما درباره عادات و اخلاق و حالات زندگی مردم در دوره بهمنیان به‌شمار می‌رود، اهمیت ویژه‌ای دارد.

پیش از ارزیابی کتاب فتوح السلاطین، جای دارد به معرفی مختصری از سراینده این منظومه مهم تاریخی بپردازیم: از آنجا که عمامی در کودکی پدر خود را از دست داد، تعلیم و تربیت او به پدربزرگش سپرده شد که در سال ۷۲۶ هجری - سال فرمان سلطان محمدبن تغلق مبنی بر کوچ فارسی‌زبانان از سراسر هند به جنوب هند - ۹۰ سال داشت و در ملتان زندگی می‌کرد. پدربزرگ او نیز ناگزیر همراه ساکنان فارسی‌زبان دهلی به دولت‌آباد (در جنوب هند = دکن) کوچید؛ باینکه این سفر و ترک وطن برای او بی‌اندازه دشوار بود، و پس از طی چند میل از دهلی جان سپرد. در این زمان عمامی - که به همراه پدربزرگش بود - حدود شانزده - هفده سال داشت. سرانجام، خانواده عمامی به دولت‌آباد رسید و در آنجا سکونت اختیار کرد.

عمامی زندگی خود را از ۱۶ تا ۴۰ سالگی در دولت‌آباد گذراند. در این مدت، او پیوسته شاهد آشوب‌ها و شورش‌ها و ستم‌های فراوان سلطان محمدبن تغلق بود. این اوضاع او را بسیار ناراحت و دل‌آزرده می‌کرد؛ تا حدی که تصمیم گرفت دل از سکونت در هندوستان برگردد و عازم حرمین شریفین شود. سال ۷۵۰ هجری بود که او عزم خود را برای این سفر جزم کرد؛ اما پیش از مهاجرت از هند، خواست یادگاری از خود به‌جا بگذارد. بنابراین، موضوعی برگزید که آمیزه‌ای از شعر و تاریخ باشد و بدین ترتیب، سرودن مثنوی خود را با حمایت قاضی بهاءالدین - از وابستگان دربار سلطان علاءالدین حسن بهمنی که فردی خوش‌ذوق و علم‌دوست بود - و نیز با اجازه سلطان بهمنی شروع کرد. ابتدا نمونه‌هایی در حمد و نعت و ذکر منقبت و مدح سلطان سرود و به خدمت پادشاه برد. شاه پس از ملاحظه آنها بسیار خشنود شد و به او اجازه داد که تاریخ منظوم هندوستان را تصنیف کند. عمامی پس از تکمیل کتاب، نام آن را فتوح السلاطین گذاشت. این آخرین اثر عمامی است که از دستبرد زمانه مصون مانده است؛ زیرا دو دیوان او قبلاً از بین رفته بود. همان‌طور که اشاره شد، در زمان تکمیل این مثنوی، او چهل سال داشت. پس از اتمام کار، به حرمین شریفین مهاجرت کرد و نوشته‌اند که در آن سرزمین مقدس از دنیا رفت.

عمامی، فردی تیزهوش، حساس، مهربان، انسان‌دوست، درون‌پاک، رُک‌گو و حق‌گو بود. اهل غرور و تکبر و مفتخر به خانواده نبود، باینکه انتخاب لفظ «عمامی» از نظر لغت نشان می‌دهد که او از خاندان بزرگی بوده است. عمامی زندگی را در کمال شرافت گذراند، خانه‌نشینی و عزلت را دوست داشت، از مال و دولت و جاه بی‌نیاز و از تجملات و زندگی مجلل بسیار متنفر بود.

از جای‌جای فتوح السلاطین برمی‌آید که فقر معنوی را بر دولت مادی و دنیایی ترجیح می‌داد. او ذهنی مملو از وقایع تاریخی داشت. طبیعت او خالی از چاشنی عشق و محبت نبود. اشعار زیر از فتوح السلاطین بازگوکننده این امر است:

مرا هست در سر فسانه بسی درین ساز دارم ترانه بسی
مرا هست از غم دلبری جان‌نواز شبی همچو زلفش سیاه و دراز

عصامی از طرفداری مغرضانه و غیرمنصفانه بیزار بود. مسائل سیاسی را آزادانه و بی‌باکانه اظهار می‌کرد. بر این اساس، مورخان دیگر - عموماً - و ضیاءالدین برنی - خصوصاً - او را بر دیگران ترجیح می‌دادند. خود او هم در این باره چنین می‌گوید:

چه داند کسی قدر این داستان مگر آنکه دارد ره راستان

(عصامی ۱۹۳۸: ۲۴۸)

در سرشت عصامی، شوخی و ظرافت و بذله‌گویی نیز وجود داشت که وی آن را با سبکی شایسته و پاکیزه بیان می‌کرد. او همچون فردوسی در تصنیف اثرش - که تقلید برجسته‌ای از شاهنامه در نوع حماسه تاریخی و بحر شاهنامه است - نه ملک ری می‌خواست و نه چشمداشت مالی و ثروتی داشت؛ بلکه غرض و غایت او این بود که یادگاری معنوی در وطن خود هندوستان به جا بگذارد. این کار را هم به منظور دریافت صلح و جایزه انجام نداد؛ بلکه قصدش تاریخ‌سرایی بود:

که مقصود من نیست جز اتباع نه ری خواهم از شه نه وجه فقاغ

مطابق بیان عصامی، تصنیف فتوح السلاطین از ۲۷ رمضان ۷۵۰ هجری شروع شده و در ۶ ربیع‌الاول ۷۵۱ هجری پایان یافته است. این منظومه تاریخی براساس نسخه‌های موجود، حاوی ۱۱۵۲۴ بیت است که مصحح و مرتب‌کننده کتاب، سید یوشع - از استادان زبان فارسی دانشگاه مدارس هند - ۴۷۶ بیت برای تکمیل منظومه به آن افزوده و تعداد ابیات آن را به دوازده هزار رسانده است.

انتقادی که بر سراینده فتوح السلاطین وارد است، این است که وی در تاریخ منظوم خود، ذکری از مآخذ نکرده است. از این رو، بریگس^۳ فتوح السلاطین را مجموعه افسانه‌های غیرمهم می‌داند که برپایه حقیقت قرار ندارد. (Briggs, J 1958, Vol. 1: 406)؛ درحالی‌که ذهن عصامی گنجینه‌ای از وقایع تاریخی است. براساس بیان خود عصامی، مآخذ تاریخی اثر او، روایت‌های شفاهی است (عصامی ۱۹۳۸: ۶۱۴-۶۱۵). به عبارت دیگر، او وقایع، قصص و سرگذشت‌های عمومی را از افراد جهان‌نیده و مسن شنیده و پس از تحقیق و اطمینان از درستی آنها، با مشقت بسیار نقل کرده است. درستی این روایات از دیگر تواریخ معتبر آشکار می‌شود. تنها تفاوت این است که این کتاب در قالب نظم است.

فتوح السلاطین، تاریخ منظوم هندوستان است که حالات ۳۵۰ سال را دربردارد (از ۱۰۰۰ تا ۱۳۴۹ م). عصامی از آغاز آفرینش دنیا تا حالات سلطان محمود غزنوی را به‌طور مجمل بیان و دوران پس از سلطان محمود را خود آغاز کرده است. او فتوحات سلاطین مسلمان و حملات محمود غزنوی و وقایع حمله سلطان معزالدین غوری (نسبتاً به تفصیل) و برخی وقایع را که مورخان دیگر فرو گذاشته‌اند، پس از تصحیح و تکمیل، نقل کرده و از قطب‌الدین ایبک و شمس‌الدین التمش و اولاد او و سپس غیاث‌الدین بلبن و فرزندانش بسیار دل‌انگیز سخن به‌میان آورده است.

عصامی همچنین مطالبی بر تواریخ عام درباره سلاطین خلجی افزوده و حالات و وقایعی را درباره آنان بیان کرده است. در ضمن، از فتوح السلاطین چنین برمی‌آید که ضیاءالدین برنی (معروف به بیهقی هند) برای خوشامد سلطان فیروز و بزرگ‌کردن خوبی‌های خاندان تغلق، بسیار کوشیده است تا شخصیت علاءالدین خلجی را مسخ کند، در حالی‌که عصامی از میان تمامی فرمانروایان هندوستان، سلطان علاءالدین خلجی را بسیار ستوده است. درباره اهمیت تاریخی فتوح السلاطین باید گفت که این اثر چنان‌که اشاره شد، به سبک شاهنامه و تقلید از آن است و در واقع پیوستی بر شاهنامه به‌شمار می‌آید، زیرا فردوسی در شاهنامه، از زمان آفرینش حضرت آدم (ع) تا عهد سلطان محمود غزنوی، به ذکر پادشاهان قدیمی و دوره اسلامی پرداخته و عصامی کردار و اعمال مردم ایران باستان را به‌اختصار بیان کرده و از زمان سلطان محمود، وقایع و فتوحات سلاطین را سال به سال در بحر شاهنامه به‌نظم درآورده است. عبدالغنی هم به این

³. Briggs

مطلب اشاره کرده است: «این اثر از نظر کمی و جنبه تاریخ عمومی نظیر شاهنامه فردوسی است.»^۴ (Abdul Ghani 1941, 243)

فتوح السلاطین عظامی از نظر تاریخ شمال هند و ابتدای دوره بهمنی، تألیفی ارزشمند است (عصامی ۱۹۳۸ : ۱). بنابراین، این کتاب نیز شاهنامه قرون وسطای هندوستان به‌شمار می‌آید.

از میان تواریخ عهد بهمنی که نوشته شده، تنها این تاریخ از دستبرد زمانه محفوظ مانده است. از این رو، این اثر برای مطالعه تاریخ آن عصر، به‌ویژه ابتدای دوره سلطنت بهمنی، مهم‌ترین و مستندترین مأخذ می‌باشد. بااینکه عظامی در نقل وقایع به شیوه متداول دوره‌اش به مبالغه و رنگین‌بینی متمایل شده، ولیکن دروغ‌گویی را در هیچ‌جا به‌کار نبرده است. از این رو، بعضی او را به جهت قوت بیان و اعتبار شاعری‌اش، علاوه بر «فردوسی دکن»، «فردوسی هند» هم خوانده‌اند. (آقامهدی حسن ۱۳۵۷ : ۷۴)

عصامی در این اثر، افزون بر بیان طرز حکومت حکمرانان، به تاریخ مذهبی و علمی و نیز روشنگری مسائلی که با زندگی عامه مردم در ارتباط است، عنایت خاصی دارد. از سرزمین دهلی و علما و فضایی آنجا نیز ذکری به‌میان می‌آورد و جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی را هم پیش چشم دارد.

باتوجه به محاسن یادشده، فتوح السلاطین صرف‌نظر از برخی نارسایی‌ها، یکی از تواریخ منظوم هندوستان به‌شمار می‌آید.

اهمیت ادبی فتوح السلاطین

عصامی را نماینده روایات و حوادث ادبی هندوستان دانسته‌اند. اشعار او به شیوه‌ای منظم و فصیح برای ما به‌یادگار مانده است. در سبک بیان او، سحر و جادوگری خاصی نهفته است که هر کسی را مسحور می‌کند. از خواندن اشعار او، که حلاوت و کلام آهنگینی دارد، لذت خاصی به خواننده دست می‌دهد. در شیوه بیان وی، سلاست، پاکیزگی و برجستگی خاصی وجود دارد. الفاظش محکم، تراش‌خورده و شیرین است و در جای خود، حالت نمایشی، رقت‌انگیزی و تأثیرگذاری نیز دارد. او از عهده آمیختن شعر و موسیقی به‌خوبی برآمده و در به‌هم‌پیوستگی وقایع، نهایت هوشیاری و چابکدستی را به‌کار برده است. در ضمن طرح واقعه‌های اصلی، رویدادهای فرعی را نیز وارد حوادث کتاب کرده است، ولی این کار را به‌اندازه‌ای طبیعی و دقیق انجام داده است که خواننده بین اصل و فرع تفاوتی مشاهده نمی‌کند. زبان او در نهایت لطافت و اندیشه، در کمال روانی و کلام او در نهایت سوز و گداز بیان شده است. او ترتیب اندیشه‌ها و تنظیم وقایع تاریخی را به‌خوبی آماده کرده و ملکه تاریخ‌نگاری او نیز خداداد است.

درواقع، فتوح السلاطین امتزاج دلکشی از تاریخ و شعر است. عصامی در این منظومه، ادب را برپایه تاریخ نهاده و اگرچه وقایع بی‌جان گذشته را با دم مسیحایی شاعری خود زندگی تازه‌ای بخشیده، تخیل شاعرانه را هم در آن به‌کار برده است. او وقایع را در نهایت صحت و صداقت آورده و سر سوزنی از صحت آنها نکاسته و تاریخ مستند صحیح ولی شاعرانه‌ای ارائه داده است. ویژگی‌های نمایان و برجسته ادبی فتوح السلاطین به شرح زیر است:

۱. جامعیت

فتوح السلاطین حاوی موضوعات رزم و بزم، اخلاق و حکمت، تاریخ و داستان و عشق و زندگی است. این اثر منظوم گسترده، مشتمل بر وقایع تاریخی ۳۵۰ سال است؛ وقایعی که در دوران گوناگون، بسیاری از رویدادها و حالات مختلف بسیاری را بیان کرده است. با وجود این، کمال جامعیت و بلاغت آن از شروع تا پایان با هم متناسب است و در ترتیب، به‌هم‌پیوستگی و هماهنگی بین قسمت‌های مختلف آن فرقی نیست. فتوح السلاطین شاهکاری ادبی هم به‌شمار می‌آید؛

^۴ توضیح اینکه عبارت «نظیر شاهنامه است»، قابل تأمل است.

چرا که به زبانی تاریخ رزم و به عبارتی تاریخ بزم است. این کتاب در اصل تاریخ رزم است؛ ولی عصامی برای تنوع و پرهیز از یکنواختی، مضامین عاشقانه و احساساتی را به عنوان چاشنی در آن به کار گرفته است. او به لحاظ رزمی بودن موضوع، مطالب خود را با زبانی محکم و استوار و باصلاطیت و حالتی رجزوار بیان کرده است، ضمن آنکه به مناسبت مقتضای حال، به هنگام طرح موضوعات عاشقانه و بیان عشق و محبت، زبان او بی نهایت باریک و لطیف و اندیشه و خیال او اثربخش و گیراست. بر این اساس، عصامی مضامین رزم و بزم را چنان استادانه به هم آمیخته و در طی آن، شاهکاری خلق کرده که گویی همه هنر و توان خود را به کار گرفته است تا چون استاد خود فردوسی طوسی - آن ناخدای شعر رزمی - اثری در حد زمان و مکان و توانمندی شاعر پدید آورد که مقبول اهل تاریخ و سخن قرار گیرد. عصامی، فردوسی را طاووس خوانده (عصامی ۱۹۳۸ : ۶۰۹) و نظامی را به بلبل تشبیه کرده و او را در سرودن مثنوی بزمی در زمره تاجداران سخن قرار داده و از شیوه داستان پردازی و شیرینی سخن او در سرودن خمسه تأثیر پذیرفته است (همان). سبک فتوح السلاطین، سبکی میان شیوه سخن پردازی فردوسی و نظامی در نظم شاهنامه و خمسه و شخصیت شاعرانه عصامی نتیجه فیضان ادبی و تأثیرگذاری مشترک این دو شاعر است و از این لحاظ او را به طوطی هم تشبیه کرده اند.

۲. معیار بلند

در فتوح السلاطین عصامی، انواع سخن و متعلقات فن شاعری و ابراز اندیشه‌ها به خوبی و در حد اعلای توان شاعر به کار رفته است. این امر موجب شده است که اثر او ارزش ادبی مهمی به دست آورد. عصامی اندیشه‌های خود را منتقدانه و روشن بیان کرده است. خلاصه اندیشه‌هایی که او در شعر خود اظهار کرده، چنین است:

عشق، خمیر غزل است و تعریف روح قصیده. یکی دلنواز است و دیگری جان‌فزا. لیکن دل و جان من، دلدادۀ هر دو «مثنوی» است. به این جهت من قافیه را التزام نکردم. به اعتباری، مثنوی از نظر مضمون و سبک، یک نوع سخن جامع است. آن شکفته و جذاب است و از نظر قالب در وزن روان و دوان که هر نوع مضمونی را می‌توان در آن بیان کرد و آن قالبی است که مردمان هر اقلیمی در شاعری به وسیله آن امتیاز و نام‌آوری حاصل کرده‌اند. برخی غزل را در مقابل مثنوی زیاد مورد توجه قرار دادند؛ زیرا آن یک نوع موزون در وصف خط و خال محبوبان و پادشاهان و غیره است. (عصامی ۱۹۴۸ : ۱۶)

اندیشه‌های بالا، نشان‌دهنده شعور ترقی‌خواهانه عصامی است. او مثنوی را از نظر جامعیت و همه‌گیری، متعلق به کسانی می‌داند که خیالات خود را با آن اظهار می‌کنند و این چیزی است که از نظر معیار نقد ادبی موجود، اثرگذار است. بر این اساس، او اعجاز ادبی خود را در صنف مثنوی و با سرودن فتوح السلاطین ثابت کرده و خصوصیات مثنوی را به درجه تمام به انجام رسانده است. از نظریات عصامی چنین برمی‌آید که او شعر را نتیجه خون جگر می‌داند و چنین اظهار می‌کند:

شب و روز خون دل خویشان همه آب کردم پی این چمن

(همان : ۶۱۳)

۳. محاکات

منظور از محاکات این است که نقشه و طرح چیزی یا حالتی در نظر گرفته و با قدرت تخیل به آن جان داده شود؛ چراکه نقالی صرف، اهمیت زیادی ندارد. محاکات پرآب و رنگ، آنهایی هستند که نتیجه تخیل باشند. عصامی، تصویرگری ماهر و زبردست است. او در شاعری، احساسات انسانی و مظاهر قدرت را بسیار زیبا پیش روی خوانندگان خود به تصویر می‌کشد. وی تسلسل در واقع‌نگاری، جوشش و روانی و نقاشی مظاهر داخلی و خارجی و معنویت و جان و

روح را به خوبی تصویرآفرینی و گویا آنها را تازه و حتی با مدد تخیل، شاداب و پربار کرده است. زبان و بیان او، قدرت حاکمانه‌ای دارد؛ بنابراین جزئیات را هم از نظر دور نمی‌دارد. عصامی، با این ویژگی‌ها، به مظاهر مادی و خیالی به‌طور خاص ارزشی دلفریب و دلنواز داده و در آیینۀ تخیل خود پروراندۀ و سپس بیان کرده است؛ افزون بر آن، در مواقع خاص، تشبیهات زیبا و تازه‌ای نیز آورده که از این لحاظ هم در کلام او تازگی و نادره‌گویی ایجاد شده است. نمونه‌ای از این تصویرگری عصامی را در بخشی که مربوط به تخت‌نشینی کیقباد پس از کیخسرو است، ملاحظه کنید:

چو دیهیم کیخسروی کیقباد به نیروی اقبال بر سر نهاد
 همی راند کاری در آن تختگاه به کارش کمر بسته هرگز کلاه
 شب و روز بزم طرب ساختی به اشغال دیگر نپرداختی
 به بزمش روان ساقیان صبح و شام همه شکرین لعل و شیرین کلام
 همه عنبرین زلف و صندل بدن همه سروقد و همه سیم تن
 شه شیرگیر اندر آن آهوان شب و روز بودی شکارافگان

(همان: ۱۸۶)

۴. نوآوری در مضمون و لطف ادا

برخی از ارباب فن نوآوری در شاعری را اولین اصل و طرز ادا را دومین عنصر به‌شمار می‌آورند. نوآوری در فتوح‌السلاطین، چشمه‌ای زاینده، شیوه بیان آن دلچسب و تصویرآفرینی‌اش زیبا و پسندیده است. در اینجا برای اختصار، به ذکر نمونه‌ای بسنده می‌شود:

عصامی پیری را با مضمونی نو چنین بیان کرده است:

به پیری بود آدمی را کمال به بدری دهد نور کامل هلال
 ز موی سپید ای برادر مرنج که در روشنی به توان دید گنج

(همان: ۶۱۶)

۵. شخصیت‌پردازی

عصامی با الفاظ مختصر، شخصیت‌های منظومه خود را در نهایت کمال تصویر کرده است. زبان و بیان او در سرایش، پر قدرت و جاندار و حقیقی و مؤثر است. او شخصیت اخلاقی قهرمانان را نیز بسیار خوب و با آب و تاب بیان کرده است. نتیجه اینکه عصامی هنرمند بزرگی است که با چابکی و مهارت قلم همه‌چیز را به‌خوبی به تصویر می‌کشد؛ آن‌چنان که گویی این کار، ملکه ذهن اوست. او از تاریخ وقایع و اشخاص، تصویری جاندار عرضه کرده است. برای نمونه، ملاحظه کنید که شخصیت جلال‌الدین خلجی را چگونه زنده و گویا توصیف کرده است:

شهی بود الحق حلیم و کریم مزاجش به داد و دهش مستقیم
 در آن هفت سالی که او ملک راند یکی خاطر آزرده از وی نماند

۶. ساقی‌نامه

عصامی در پایان هر واقعه مهم تاریخی، به ساقی متوسل می‌شود و ابیاتی می‌آورد و سپس بخش دیگر را آغاز می‌کند:

بیا ساقیا باده در جام کن مرا بی‌غم از دور ایام کن
 که گیرم ز مستی جهان دگر زخم خامه در داستان دگر

(همان : ۸۵)

۷. مضامین رزم

فتوح السلاطین در اصل، تاریخ جنگ و نبرد است. عظامی، قوانین و اصول حمله، آلات حرب و غیره را مفید و روشن شرح داده است. به طور کلی بزرگترین تواریخ آسیا از این تفصیلات میدان جنگ خالی است؛ ولی عظامی در تصویرگری میداین نبرد موفق و کامیاب است. گویی او به مسایل جنگی و تاکتیک‌های آن آگاهی کامل دارد و از این نظر تاریخ او در عهد وسطی درخشان و مهم است. وی علاوه بر تفصیل ظاهری مسائل نبرد و سپاهیان، به حالات نفسانی و درونی افراد سپاه هم عنایت دارد و از عهده تصویرگری آنها به خوبی برآمده است. او صف بندی سپاه و معرکه آرایبی را به تفصیل و در نهایت دقت بررسی و بیان کرده و در این امر، تأثیر نظامی گنجوی بر عظامی کاملاً مشهود است.

۸. بیان احساسات

بیان احساسات و تصویرگری حالات درونی، از عناصر مهم شعر به شمار می‌آید؛ و شاعری درخور ارزش است که بتواند احساسات خود را به بهترین نحو ارائه کند. بر این اساس، عظامی را هم پایه فردوسی و نظامی قرار داده‌اند. عظامی در بیان جزئیات واقعه هم چیزی فروگذار نکرده است. او به تمامی امور احاطه کامل دارد و احساسات را مانند آینه مجسم و منعکس می‌کند. عظامی برای بیان احساسات، از گل‌های رنگارنگ تشبیه و استعاره به خوبی بهره می‌گیرد و هر جا که لازم بداند، گل تازه‌ای از بازتاب اندیشه و احساس خود را می‌رویاند. در تصویرگری وقایع، اثر انگیزی سبک بیان و تصویرپردازی به نهایت درجه است. به نمونه زیر توجه کنید:

جهان کهن طرفه بازیگری است فرینده کودکان اکثری است
بسی تاج شاهان فرخ‌نژاد به بازی طفلان سپارد به یاد
یکی نوش او نیست خالی ز نیش یکی راحتش نیست بیرون ز ریش

(همان : ۱۶۳)

۹. ضرب الامثال

در فتوح السلاطین، اشعار بسیاری آمده که نتیجه مطالعه وسیع و تجارب دنیایی مصنف آن است. برای نمونه، ضرب‌المثل‌هایی که در اشعار خود به کار برده است، صلاحیت او را به درجه اعلا می‌رساند. از جمله:

دلم گوید این آب تنها مخور که تنها خور آمد ز سگ هم بتر

(همان : ۳۴۶-۳۴۷)

بداند به هر جا که نام‌آور است که مرگ از زبون زیستن خوش‌تر است

(همان : ۴۸۶)

در اندیشه با خود نهانی بگفت گلی دیگر از باغ دوران شگفت

(همان : ۵۲۶)

وفا کیمیا گشت اندر جهان وگر نه چرا باشد اکنون نهان

(همان : ۵۲۸)

۱۰. وطن دوستی

عصامی به تاریخ، تمدن و مناظر قدرت هندوستان بسیار توجه و علاقه دارد؛ چنان‌که شادابی و شکفتگی مناظر هندوستان را رشک جنت می‌داند؛ و هندوستان را جایی می‌داند که در جای‌جای آن گل و شکوفه می‌روید. نمونه:

خوشا رونق ملک هندوستان که جنت برد رشک ازین بوستان
سودش شده زیب روی زمین چو خالی به رخسار هر نازنین
به فصل خزان‌ش درآید بهار دمد گل دراو گر بکارند خار
سرشته همه خاک او به گلاب درو شبنمی داده نفع سحاب

(همان : ۶۰۵)

سرزمین هند آن‌قدر دلفریب و جذاب است که جهانگردان وقتی به آنجا می‌آیند، در آنجا اقامت می‌کنند:
... سیاحت گذارند و ساکن شوند برون زان دیار و دمن کم روند

(همان : ۶۰۵)

که این اشعار به ابن بطوطه، جهانگرد معروف، اشاره دارد.
او به هندوستان به‌طور عام و دهلی به‌طور خاص توجه و علاقه دارد. چنان‌که در جایی، دهلی را «عروس جهان» لقب داده است:

ز قبه همه شهر در سایه شد «عروس جهان» غرق پیرایه شد

(همان : ۳۲۴)

۱۱. اثر واژه‌های هندی

فتوح‌السلاطین در فضای فرهنگی مردمی تصنیف شده که زبانی مخلوط در میان آنان رواج داشته است. براین اساس، اثر زبان فارسی بر زبان هندی و دیگر زبان‌های محلی بسیار روشن است. در دوره تصنیف فتوح‌السلاطین، الفاظ هندی هم به همراه الفاظ فارسی به کار می‌رفته که در زیر چند لفظ هندی به کار رفته در فتوح‌السلاطین را فهرست‌وار می‌آوریم:

۱. راوت: بهادر. (ص ۱۲۱ و ۳۵۰)
۲. گهتی: کوهسار. (ص ۲۳۰)
۳. نایک: سردار فوج، سرهنگ. (ص ۲۳۰)
۴. تهال: طشت، سینی، طبق. (ص ۴۳۰)
۵. جوگیان: درویشان و قلندران هندی. (ص ۵۱۵)
۶. هولی: جشن و عیدی. (ص ۵۱۵)

حاصل سخن

امیر خسرو و عصامی در ادب فارسی هندوستان مایه افتخار و مباهات هستند. اگر شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی گنجوی در شمار ادبیات عالیه است، فتوح‌السلاطین عصامی نیز از نظر محاسن صوری و معنوی خود در مرتبه پایینی قرار ندارد. شیوه سخن‌سرایی عصامی در مقابل اسلوب پرتکلف شعر دوره وسطی، از سلاست، روانی، متانت، استواری و سادگی برخوردار است. او لیاقت و مهارت خود را در هر دو میدان رزم و بزم نشان داده است. در بیان احساسات او تازگی و شکفتگی وجود دارد. او از عهده توصیف هر دو جنبه به‌خوبی برآمده است. تمامی محاسن موردنظر عصامی در فتوح‌السلاطین موجب شده که دکن عهد وسطی «کوه نور ادب فارسی» نامیده شود (عبدالمنان ۱۹۶۶ - ترجمه).

عصامی در شعر فارسی مخصوصاً در صنف مثنوی، شایسته مقامی بس عالی است و فی‌الواقع فتوح‌السلاطین بهترین نمونه مثنوی و دلکش‌ترین آثار قدمایی ما است که به زبان فارسی در هندوستان سروده شده است. (عصامی ۱۹۸۳: مقدمه)

یک تأسّف ادبی است که بیشترین سرمایه‌های ادبی در عهد بهمنیان از بین رفته؛ لیکن همین که فتوح السلاطین موجود است، بجاست که توان گفت: «در دکن اگر عصامی است، او بس است» (عبدالمّنّان ۱۹۶۶ - ترجمه).

کتابنامه

آقامهدی، حسن. ۱۳۵۷. «فردوسی هند». ترجمه حکیم‌الدین قریشی، ایندوایرانیکا، ج ۱، ش ۴؛ به نقل از ماهنامه دل‌ها و اندیشه‌ها، تهران: انتشارات رادیو تلویزیون ملی ایران، ش ۳، تیرماه.
حکمت، علی‌اصغر. ۱۳۳۷. سرزمین هند. تهران: دانشگاه تهران.
رادفر، ابوالقاسم. ۱۳۸۱. «غارهای اجانتا». یادنامه استاد کریم پیرنیا، به کوشش اکبر قلم‌سیاه، یزد: دانشگاه یزد و بنیاد مرحوم پیرنیا (ص ۶۹۹-۷۰۸).
عبدالمّنّان، محمد. ۱۹۶۶. زبان و ادبیات فارسی در دوره بهمنیان. حیدرآباد دکن: دانشگاه عثمانیه (پایان‌نامه دوره دکتری به زبان اردو).

عصامی، عبدالملک. ۱۹۳۸. فتوح السلاطین. مرتبه (تصحیح) آقامهدی حسن، آگره.

_____ . ۱۹۴۸. فتوح السلاطین. مرتبه (تصحیح) سیدهاشم یوشع. مدراس: دانشگاه مدراس.

Abdul Ghani. 1941. *Pre-Mughul Persian Literature in Hindustan*. Allahabad.

Briggs, J. 1958. *Rise of Muhammadan Power in India* (Translation of Tarikh-e-Ferishtah). Calcutta: Sushil Gupta.